

بررسی جامعه شناختی ارتباط با دوستان بزهکار و گرایش نوجوانان به سرقت

صادق ستوان^۱

مجتبی دهدار^۲

عبدالغفور ایرندگان^۳

رضا بلوچی^۴

محمد سعید بزرگ زاده^۵

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی گرایش نوجوانان پسر ۱۲ تا ۱۸ سال شهر ایرانشهر به سرقت انجام گرفته است. این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه در بین نوجوانان شهر ایرانشهر به انجام رسیده است. با توجه به اینکه جامعه آماری ($N=4000$) حجم نمونه در بعد نظری برای رسیدن به اهداف پژوهش، از نظریه جامعه شناختی و پیوند افتراقی ادوین ساترلند استفاده شده است. در این پژوهش متغیرهای زمینه ای مانند شغل پدر، محل سکونت، وضعیت تحصیلی و درآمد خانواده متغیر مستقل و ارتباط با دوستان بزهکار مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل در دو سطح آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (ضریب همبستگی و آنالیز واریانس) استفاده شد. نتایج با استفاده از نرم افزار Spss نشان داد که گرایش نوجوانان به سرقت مثبت و افزایشی می باشد.

کلید واژه: ارتباط با دوستان، گرایش نوجوانان ایرانشهر، بزهکاری، سرقت

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

۲. دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد اراک

ehsandezdar70@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه شناسی، جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد زاهدان.

۴. دانشجوی دکتری جامعه شناسی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

۵. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

مقدمه و بیان مسئله

بزهکاری ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی انسان ها دارد و به سبب همین استمرار جرم در بستر زمان است که دورکیم، جامعه شناس فرانسوی نیمه اول قرن بیستم، از آن به عنوان پدیده عادی و اجتناب ناپذیر در کنار سایر پدیده های زندگی اجتماعی یاد می کند. به عبارت دیگر، همان گونه جامعه ای که بدون قانون و ضابطه وجود ندارد، اجتماع بشری که در آن جرم و جنایت اتفاق نیفتد و به تعبیر جامعه شناختی همه افراد بدون استثنا ارزش های حاکم بر جامعه را محترم شمرده و آن ها را از آن خود شمارند نیز، جز در عالم خیال وجود خارجی ندارند. از دیدگاه جامعه شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی به دو طبقه بزهکاری و جرم قابل تقسیم است. گفتنی است که این طبقه بندی نه بر حسب نوع و شدت رفتار انحرافی، بلکه براساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی است. بنابراین، چنانچه رفتار انحرافی توسط بزرگسالان صورت گرفته باشد، آن را جرم می نامند و در صورتی که توسط نوجوانان و جوانان انجام شده باشد، به عنوان بزهکاری محسوب می شود (زنگنه، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

مسئله بررسی علمی بزهکاری سال هاست مورد توجه قرار گرفته و متخصصان و دانشمندان رشته های مختلف علوم به خصوص روانشناسان، روان پزشکان، جامعه شناسان، حقوقدانان و مربیان هر یک از دریچه ای به بررسی این مسئله همت گمارده اند. البته ذکر این نکته ضروری است که بزهکاری نوجوانان در جوامع انسانی مسئله جدیدی نیست و این پدیده از آغاز تاریخ مکتوب بشر پدیده آشنایی بوده و رد پای آن در گذشته های بسیار دور نیز مشهود است (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶).

آمارهایی که از سوی نهادهای بین المللی همه ساله انتشار می یابد مبین این است که جامعه جهانی در حوزه کودک و نوجوان پدیده «انفجار بزهکاری» مواجه است به گونه ای که روز به روز به این آمار افزوده می شود. مروری بر کثرت جرایم در جهان و در کشور ایران گویای این واقعیت است که بزهکاری یکی از بلاهای بزرگ امروز در دنیاست. بزهکاری کنشی است که مبین ضعف تعلق جمعی رسمی و در نتیجه نارسایی تفکیک پذیری اجتماعی و عدم توازن بین تمایل جامعه شیدای جامعه ستیزی در شخصیت کنشگر می باشد (محمدی اصل، ۱۳۸۳: ۶۱).

در میان جرایم نوجوانان، همواره سرقت از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. این جرم پدیده ای منحصر به عصر جدید نیست و از گذشته به عنوان یکی از با سابقه ترین جرایم نوجوانان یاد شده است و آنچه که در عصر حاضر اهمیت این بزه را دو چندان می کند، فراوانی و ازدیاد آن در بین نوجوانان است. تا آنجا که برخی از جرم شناسان بر این اعتقادند که میزان سرقت نسبت به سایر جرایم نوجوانان به اندازه ای زیاد است که می توان حتی مبحث جرایم کودکان و نوجوانان را به سرقت های ارتكابی آنان اختصاص داد (شامبیانی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

در ایران سرقت یکی از جرایمی است که شیوع نسبتاً زیادی دارد و اهمیت آن در میان سایر جرایم رو به افزایش است. وقوع سرقت معلول انگیزه ها، شرایط، علل و عوامل بسیاری است. این پدیده نه تنها باعث ایجاد ضرر و زیان های مادی برای افراد جامعه می شود، بلکه به وضعیت روانی و احساس امنیت مردم نیز لطمه بسیار می زند. پیشگیری از وقوع سرقت، رسیدگی و کشف آن در حیطه مسئولیت، وظایف عمومی ناجا و بخصوص پاسگاه ها و مأموران آگاهی است.

با توجه به این که شهر ایران شهر با افزایش جمعیت، سیل مهاجرت، رشد زندگی شهرنشینی و حاشیه نشینی مواجه شده است. افزایش سرقت، و گرایش نوجوانان به بزهکاری یکی از بزرگترین دغدغه ها و چالش ها برای مسئولین و شهروندان می باشد. از آنجا که گرایش به سرقت در نزد نوجوانان در دراز مدت امنیت اجتماعی خانواده ها و شهروندان را مورد تهدید قرار خواهد داد، بنابراین بررسی و شناسایی راهکار های آن، جهت خشکاندن ریشه این جرم از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر نتایج حاصله از این گونه کتابات در اختیار مسئولان امر قرار گیرد، می توان در بهبود امنیت اجتماعی نقش بسزایی داشته باشد و همچنین بر کسی پوشیده نیست که با ارایه پیشنهاد ها قابل اجرا و در نظر گرفتن تمام جوانب و امکانات می توان سرقت را در سطح شهر ایران شهر کاهش داد. اگر گرایش به سرقت شناسایی شود می تواند برای برنامه ریزان نظارت بر اجتماع، ارزیابی اثر بخشی و کارآیی سیاست ها و برنامه های فصلی و تدوین برنامه های جدید کمک کند. بنابراین باید روشن ساخت که، گرایش نوجوانان پسر شهر ایران شهر به سرقت از نظر جامعه شناختی چگونه است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

در سطح خرد و کلان به مسئولان امر (اعم از نیروی انتظامی و مسئولان شهری) می تواند برای کاهش، تعدیل و حتی از بین بردن سرقت و بهبود امنیت اجتماعی مفید واقع شود. از آنجایی که پدیده سرقت یکی از مشکلات روز افزون جامعه است. بررسی و شناسایی راهکارهای آن، جهت خشکاندن ریشه ی این جرم از اهمیت به سزایی برخوردار است (سجودی، ۱۳۹۲: ۴)

البته به دست آوردن درک روشنی نسبت به میزان عوامل تأثیر گذار نسبت به گرایش نوجوانان پسر به سرقت در شهر ایران شهر و میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل، از اهداف دیگر پژوهش می تواند باشد ضرورت پژوهش این می تواند باشد که بزهکاری، پدیده ای طبیعی و ذاتی نیست و هیچ نوجوان و طفل بزهکاری از هنگام تولد مجرم به دنیا نیامده بلکه عوامل متعدد و گوناگونی او را به سوی ارتکاب جرم و بزه سوق می دهد. کودکان و نوجوانان سرمایه های معنوی جامعه می باشند و سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده سلامت جامعه در آینده است. بنابراین مسایل آنان از جمله مسایلی است که باید به آن ها توجه ویژه ای مبذول داشت بررسی ریشه ای مسایل نوجوانان از جمله سرقت نوجوانان برای رسیدن به یک جامعه ایده ال شرط ضروری و پر اهمیت است.

پیشینه پژوهش

صادقی فرد در پژوهشی با عنوان (عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان پسر به بزهکاری و راه های پیشگیری از آن) را در شهر بیرجند با روش پیمایش و ابزار پرسش نامه انجام داد که یافته های نشان می دهد که گذراندن اوقات فراغت در کنار خانواده سهم ناچیزی را دارا می باشد و سهم بالا به گذراندن اوقات فراغت در بین دوستان می باشد که اکثر آنان سابقه ی رفتارهای انحرافی و نادرست داشته اند و در خانواده درصد بالایی از پاسخ دهندگان حادثه ناگواری مثل زندان رفتن یکی از اعضای خانواده، سابقه اعتیاد و... اتفاق افتاده است.

در پژوهشی که ترکمان و همکاران با عنوان (عوامل مؤثر برگرایش نوجوانان به خرده فرهنگ جرم) در شهرستان کرج با روش فیش برداری و ابزار پرسشنامه انجام شده دریافتند که واحدهایی از قبیل خانواده و همالان در گرایش نوجوانان به جرم تأثیرگذار هستند. در سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی نوجوانان از خانواده جدا می شوند و به سمت کوچه، خیابان و همسالان می پیوندند. همانند سازی با آنان نقش مهمی در بزهکاری است، نوجوانانی که توسط والدین طرد می شوند و در خانواده احساس امنیت روانی نمی کنند، برای کسب حمایت و تأیید به سمت همالان کشانده می شوند. چنین نوجوانانی در مدرسه ضعیف هستند و به دنبال افرادی می گردند که مانند خودشان باشند از این رو احتمال دارد که دست به اعمال ضد اجتماعی بزنند و همدیگر را برای ارتکاب به جرم تشویق کنند.

کارلین در پژوهشی تحت عنوان (نوجوانی و بزهکاری) که با مطالعه ۱۲۵۳ نفر از تعداد دختران و پسران ۲۰-۱۴ در فرانسه انجام داد دریافتند که جوانان و نوجوانان با انجام کار خرابکارانه قصد خود نمایی دارند. و به خوبی حس می کنند که بد بودن بهتر از هیچ بودن است.

مبانی نظری پژوهش

پیوند افتراقی

ساترلند درباره چگونگی انتقال فرهنگی کجروی اظهار می دارد که کجروی از طریق یک گروه جریان ارتباطات اجتماعی حاصل می شود که در واقع اصطلاح «یار بد» را زنده می کند.

ساترلند (۱۹۳۹) با ارائه این نظریه ادعا کرد که رفتار انحرافی از طریق «هم نشینی افتراقی» «معاشرت با اغیار (Association Differential)» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم (مانند تبهکاران) آموخته می شود و برای آن که یک فرد، جنایتکار شود، باید نخست یاد بگیرد که چگونه می توان جنایت کرد.. به عبارتی دیگر این نظریه بر این پیش فرض بنا شده است که رفتار انحرافی، موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می شود که هر رفتار دیگری آموخته می شود.

نکات کلیدی در نظریه پیوند افتراقی:

- ۱- کجروی آموخته می شود. پس کجروی یک پدیده ارثی نیست. بنابراین کسی که در زمینه جرم و جنایت آموزش ندیده باشد مجرم نخواهد شد، همان طور که فردی که در زمینه مکانیک آموزش ندیده باشد نمی تواند اختراعاتی در علم مکانیک انجام دهد.
- ۲- کجروی در ضمن کنش متقابل با دیگران یعنی، در جریان برقراری ارتباط آموخته می شود. این ارتباط عمدتاً از طریق زبان یا گاهاً چهره به چهره انجام می گیرد.
- ۳- کجروی در اثر ارتباط صمیمی در درون گروه انجام می گیرد. به همین دلیل تأثیر گروه های غیر رسمی مثل روزنامه، تلویزیون و... کمتر از ارتباط مستقیم می باشد.
- ۴- وقتی رفتار مجرمانه یاد گرفته می شود این یادگیری شامل:
(الف) یادگیری فنون و شیوه های ارتکاب جرم می باشد.
(ب) یاری بر اساس علاقه و گرایش ها فرد مجرم انجام می شود.
- ۵- فرد در صورتی مبدل به بزهکار می شود که محیط اطراف آن فرد، بزهکاران زیادی وجود داشته باشند و فرد با آن ها معاشرت زیادی داشته باشد. هرچقدر میزان فراوانی معاشرت با بزهکاران بیشتر باشد احتمال کجرو شدن افراد بیشتر می شود. مثال؛ افراد تازه کاری که وارد زندان می شود و در اثر معاشرت با بزهکاران تبدیل به یک بزهکار خواهد شد.
- ۶- هر چقدر میزان زمان معاشرت و نزدیکی با بزهکاران زیادتر باشد، احتمال بروز کجروی در افراد بیشتر می شود. بنابراین افراد (دانش آموزان یا هر فرد دیگری) زمان و ساعات بیشتری را با افراد ناهنجار سپری نماید احتمال بروز ناهنجاری در آنها بیشتر است.
- ۷- یادگیری کجروی با تقلید کجروی متفاوت می باشد. بنابراین تقلید رفتارهای مجرمانه همواره به کجروی نمی رسد ولی ممکن است زمینه ساز بروز آموزش آسیب اجتماعی گردد.
نکته: انجام کجروی صرفاً به خاطر تقلید، به همان میزان کجروی واقعی با مجازات رو برو خواهد شد (تقلید بهانه ای برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت نخواهد بود).
- ۸- اگر چه در کجروی نوعی ارزش ها و نیازهای فرد کجرو نهفته است اما هیچ گاه این ارزش ها و نیازها نمی تواند مورد قبول اکثریت اعضای جامعه باشد. به همین دلیل می توان افراد کجرو را ناهنجار دانست اگرچه این افراد برای خود ارزش و اعتبار قائل هستند.
مثال: کارگران برای دستیابی به درآمد کار می کنند اما دزدان نیز برای دستیابی به درآمد تلاش می نمایند تا مشکل خود و خانواده خود را حل نمایند اما تفاوت اساسی برای هر دو وجود دارد.
- ۹- ساترلند اضافه می کند برای مثال اگر یک نوجوان در منطقه ای زندگی کند که ارقام بزهکاری بالا باشد، و در صورتی که این فرد، یک فرد فعال، اجتماعی و از نظر جسمانی در شرایط مناسب باشد، به سادگی به بزهکاری کشیده می شود. زیرا افراد نیاز به اجتماع و جامعه پذیری دارند، در نتیجه وقتی

که وارد محیط اجتماعی می‌شوند و در اطراف خود بز هکاری فراوانی را مشاهده می‌نمایند، در نتیجه به رنه کونینگ معتقد است که بر طبق تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی خرد، دو نوع بررسی از پدیده خانواده ضروری است. اول نگرش به خانواده در ارتباط با کل جامعه، با در نظر گرفتن مناسبات کلی جامعه و همچنین بررسی رابطه نظام خانواده با پاره نظام‌های دیگر و دوم نگرش به خانواده به عنوان نظامی خاص، یعنی گروه کوچک با ساختار و کارکرد خاص خود. مطابق این دیدگاه، خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی با ویژگی‌های متفاوت از سایر گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (اعزازی، ۱۳۸۲: ۷۲).

نظریه یادگیری اجتماعی

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. اندیشمندانی نظیر باندورا این نظریه را توسعه دادند. باندورا (۱۹۷۳) تأکید کرد که توانمندی انسان برای استفاده از نمادها به او یاری می‌دهد تا رویدادها را باز نماید؛ تجربه آگاه خود را تحلیل کند و با دیگران در هر فاصله زمانی و مکانی ارتباط برقرار کرده یا به طرح، خلق، تصور و پرداختن به اعمال دوراندیشانه اقدام کند. از نظر باندورا، رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می‌آید. شخص می‌تواند با کمک فرآیند الگوسازی و با مشاهده رفتار دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر: سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می‌تواند مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد. همچنین فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. بر همین اساس، فرآیند «مدل‌سازی (Modeling)» در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن، شخص رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۴). به عبارتی، نظریه یادگیری اجتماعی، اهمیت یادگیری مشاهده‌ای پاداش و تنبیه را مورد تأکید قرار داده و بیان می‌کند که کودک رفتارهای مربوط به جنس خود را از طریق مشاهده الگوهای نقش جنسی و تشویق شدن برای رفتارهای مناسب و تنبیه شدن برای رفتارهای نامناسب نقش جنسی فرا می‌گیرد (همان، ۱۵۵). این نظریه از جوانب متفاوت به گونه‌های متعددی به «تحریک‌های محیطی» که در این دیدگاه «مشوق» نام گرفته‌اند اشاره می‌کند و مدعی است که این مشوق‌ها می‌توانند در افزایش رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر باشند. در این نظریه همچنین یادآوری می‌شود که تأثیر این مشوق‌ها هنگامی معنادار خواهد بود که محیط، نوعی زمینه تقویت را برای ارتکاب رفتارهای ضد اجتماعی فراهم ساخته باشد. نمونه‌ای از این مشوق‌ها، برخورداری از آزار دهنده گذشته، اوهام، استعمال الکل و مواد مخدر می‌باشد. یکی دیگر از دانشمندانی که در این خصوص مطالعه کرده است، پیرون (Pieron) می‌باشد که معتقد بود رفتار آدم‌ها را باید معلول روابط آن‌ها با محیط مادی و

اجتماعی دانست که در آن مؤثر هستند؛ و این رفتار را در آدم ها به وجود می آورند. از این رو طبیعت آدمی ممکن نیست مستقل از ساختمان واقعی میدان اجتماعی موجود باشد و گوناگونی فرهنگ ها، معیارها و ارزش ها به تفاوت های محیط مادی، عوامل اقتصادی، تماس با اقوام دیگر و پیش آمدها بستگی دارد (موسوی نژاد، ۱۳۷۸: ۴۵).

به عقیده هیرشی بزهکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همالان و سایر ارگان ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آنها عضویت دارد، بررسی گردد. هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می افتد که قیوم فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به طور کلی از بین بروند. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی خلاصه می کند.

الف- دلبستگی / وابستگی

دلبستگی با افراد و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه هایی است که فرد خود را از طریق آن با جامعه پیوند می دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بدانند. برای مثال، یک فرد مجرد بیشتر امکان دارد که دزدی یا خودکشی کند؛ یا این که به مصرف مواد مخدر دست بزند. در حالی که فرد متأهل به دلیل پیوندهای اجتماعی که دارد، احتمال کمتری دارد که مرتکب کج رفتاری شود.

ب- تعهد

افراد جامعه در دستیابی به هدف هایی مانند: تحصیل، کار، خانه و دوستان که برای آن ها سرمایه گذاری کرده اند و وقت و انرژی خود را در راه آن صرف کرده اند، بیشتر به فعالیت های متداول زندگی تعهد دارند. از این رو به منظور موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده اند کج رفتاری نمی کنند.

پ- درگیر بودن

معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی، مشارکت اجتماعی و امثال این هستند کمتر فرصت پیدا می کنند که هنجارشکنی کنند. برعکس، کسانی که بیکار هستند بیشتر به کج رفتاری روی می آورند. به همین دلیل آسیب شناسان اجتماعی معتقدند که اوقات فراغت سالم، انجام خدمت وظیفه و فراهم بودن امکانات ورزشی، باعث کاهش کج رفتاری و بزهکاری در میان جوانان می شود. دخالت در فعالیت های متعارف بیانگر ویژگی درگیر بودن است. هیرشی معتقد است که وقتی فرد درگیر فعالیت های متعارف باشد، وقتش به قدری گرفته می شود که نمی تواند به رفتار انحرافی آمیز کشیده شود. این تفکر که «دست بیکار، کارگاه شیطان است» در واقع دلیل اصلی این گفته هیرشی است که می گوید: «کودکی که پینگ پونگ بازی می کند، در استخر عمومی شنا می کند، یا تکلیفش را انجام می دهد، دست به اعمال بزهکارانه نمی زند». هیرشی معتقد بود که چنین فردی کمتر فرصت

انحراف پیدا می‌کند. مفهوم درگیری سرچشمه برنامه‌هایی با تمرکز بر فعالیت‌های تفریحی مثبت برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است.

ت- ایمان یا باور

یعنی هر چقدر که میزان اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی ضعیف‌تر باشد، احتمال بروز کج رفتاری در فرد بیشتر می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی نیز برای هم‌نوایی با قوانین رسمی و غیر رسمی برای خود تصور نمی‌کند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۳۹، ۱۳۸).

هیرشی ادعا کرد اگرچه شاغل بودن، فرصت برای فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند (چلبی، ۱۳۸۰: ۹۶)، با این حال احتمال بزهکاری هنگامی که ۴ عنصر یاد شده ضعیف شود، بیشتر است. منظور هیرشی این است که فرد نسبت به افرادی که با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، دارای احساساتی است که این احساسات موجب می‌شود نسبت به آنچه درباره رفتارش می‌اندیشند مراقب باشد. بنابراین، کنترل بزهکاری با تعلقات نوجوانان نسبت به والدینشان پیوند می‌خورد. ریموند گسن (۱۹۸۸) در کتاب ارزشمند خود «جرم‌شناسی نظری» تأثیر خانواده را در شکل‌گیری شخصیت جوان بزهکار، به دو نحو مختلف تقسیم می‌کند:

الف. نفوذ یا تأثیر مستقیم

خانواده هنگامی که والدین یا یکی از آن‌ها بزهکار یا فاسدالاخلاق هستند، تأثیری جرم‌زا و مستقیم روی کودک‌کان و نوجوانان اعمال می‌کند. این نفوذ اصولاً از دو منبع ناشی می‌شود. یکی یادگیری خشونت در خلال خشونت‌های داخل خانواده و دیگری اکتساب از راه تقلید بزهکاری از سبک زندگی والدین یا یکی از آن‌ها.

ب. نفوذ غیرمستقیم

تعداد بزهکارانی که شکل‌گیری ضد اجتماعی مشخصی در خانواده اصلی خود یافته‌اند، اندک است. در بیشتر موارد خانواده نقشی غیرمستقیم در گرایش فرد به اعمال بزهکارانه، ایفا می‌کند. محیط خانوادگی اگرچه اخلاقاً سالم باشد یعنی والدین بزهکار نباشند اما می‌تواند تأثیر قطعی در شکل‌گیری شخصیت نوجوان بزهکار داشته باشد و آن در صورتی است که خانواده حداقل محبت و تربیت لازم برای اجتماعی شدن به هنجار را به فرزند خود ندهد. خانواده در فرض‌های زیر احتمالاً موجبات بزهکاری کودک و نوجوان را فراهم می‌سازد:

۱. رها کردن کودک از زمان ولادت و عدم مراقبت‌های مستمر؛
۲. جدایی مادر از کودک؛
۳. غیبت پدر در خانواده در زمانی که قدرت او باید قدرت مادر را تعدیل کند؛
۴. تعارض و نفاق بین والدین که به حد وخامت گراییده باشد؛

۵. افراط در سهل گیری یا به عکس خشونت افراطی و سخت گیری بیش از حد از سوی والدین

جدول روش شناسی

روش	تکنیک	جامعه آماری	حجم نمونه	آمارهای استفاده شده
پیمایش	پرسشنامه، فیش نامه و...	۴۰۰۰ نفر	۳۵۳ نفر	توزیع فراوانی، میانگین، ضرایب همبستگی، پیرسون، رگرسیون

آمار توصیفی

توصیف فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

جدول ۱: فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
سال ۱۲ تا ۱۴	۳۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸
سال ۱۴ تا ۱۶	۱۴۱	۳۹/۹	۳۹/۹	۵۰/۷
سال ۱۶ تا ۱۸	۱۷۴	۴۹/۳	۴۹/۳	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
بدون پاسخ				

با توجه به جدول فراوانی فوق رده سنی پاسخگویان، تعداد ۳۸ نفر (۱۰/۸ درصد) در رده سنی ۱۲ تا ۱۴ سال، تعداد ۱۴۱ نفر (۳۹/۹ درصد) در رده سنی ۱۴ تا ۱۶ سال و تعداد ۱۷۴ نفر (۴۹/۳ درصد) در رده سنی ۱۶ تا ۱۸ سال بوده اند.

توصیف فراوانی وضعیت تحصیل پاسخگویان

جدول ۲: فراوانی وضعیت تحصیل پاسخگویان

وضعیت تحصیل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
محصل	۲۲۰	۶۲/۳	۶۲/۹	۶۲/۹
بی سواد	۴۹	۱۳/۹	۱۴/۰	۷۶/۹
ترک تحصیل	۸۱	۲۲/۹	۲۳/۱	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۵۰	۹۹/۲	۱۰۰/۰	
بدون پاسخ	۳	.۸		

با توجه به جدول فراوانی فوق وضعیت تحصیل پاسخگویان، تعداد ۲۲۰ نفر (۶۲/۳ درصد) محصل، تعداد ۴۹ نفر (۱۳/۹ درصد) بی سواد، تعداد ۸۱ نفر (۲۲/۹ درصد) ترک تحصیل و تعداد ۳ نفر (۰/۸ درصد) به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

توصیف فراوانی میزان تحصیلات پدر پاسخگویان

جدول ۳: فراوانی میزان تحصیلات پدر پاسخگویان

میزان تحصیلات پدر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
بی سواد	۴۹	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۳/۹
خواندن و نوشتن	۱۰۱	۲۸/۶	۲۸/۶	۴۲/۵
سیکل	۵۲	۱۴/۷	۱۴/۷	۵۷/۲
دیپلم	۱۲۲	۳۴/۶	۳۴/۶	۹۱/۸
فوق دیپلم و بالاتر	۲۹	۸/۲	۸/۲	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
بدون پاسخ	۰	۰		

با توجه به جدول فراوانی میزان تحصیلات پدران پاسخگویان، تعداد ۱۲۸ نفر (۳۶/۳ درصد) بی سواد، تعداد ۲۲ نفر (۶/۲ درصد) خواندن و نوشتن، تعداد ۳۸ نفر (۱۰/۸ درصد) سیکل، تعداد ۸۵ نفر (۲۴/۱ درصد) دیپلم.

توصیف فراوانی وضعیت اشتغال پدر پاسخگویان

جدول ۴: فراوانی اشتغال پدر پاسخگویان

وضعیت اشتغال پدر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
بیکار	۸۱	۲۲/۹	۲۲/۹	۲۲/۹
سایر	۱۷۹	۵۰/۷	۵۰/۷	۷۳/۷
کارمند	۹۳	۲۶/۳	۲۶/۳	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
بدون پاسخ	۰	۰		

با توجه به جدول فراوانی فوق وضعیت اشتغال پدران پاسخگویان، تعداد ۸۱ نفر (۲۲/۹ درصد) بیکار، تعداد ۱۷۹ نفر (۵۰/۷ درصد) سایر و تعداد ۹۳ نفر (۲۶/۳ درصد) کارمند بوده اند.

توصیف فراوانی وضعیت منطقه سکونت

جدول ۵: فراوانی منطقه سکونت

منطقه سکونت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
پایین شهر	۱۲۰	۳۴/۰	۳۴/۰	۳۴/۰
محلّه میانه	۳۳	۹/۳	۹/۳	۴۳/۳
محلّه بالا	۷۹	۲۲/۴	۲۲/۴	۲۲/۴
حاشیه شهر	۱۲۱	۳۴/۳	۳۴/۳	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۵۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
بدون پاسخ	۰	۰		

با توجه به جدول فراوانی فوق وضعیت منطقه سکونت پاسخگویان، تعداد ۱۲۰ نفر (۳۴ درصد) پایین شهر، تعداد ۳۳ نفر (۹/۳ درصد) محله میانه، تعداد ۷۹ نفر (۲۲/۴ درصد) محله بالا.

توصیف فراوانی وضعیت درآمد ماهیانه خانواده

جدول ۱۱: فراوانی درآمد ماهیانه خانواده

درآمد ماهیانه خانواده	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی پاسخگویان	درصد تجمعی
زیر ۶۰۰ هزار تومان	۱۱۳	۳۲/۰	۳۲/۲	۳۲/۲
بین ۶۰۱ تا ۹۰۰ هزار تومان	۳۹	۱۱/۰	۱۱/۱	۴۳/۳
بین ۹۰۱ تا ۱ میلیون و پانصد هزار تومان	۶۶	۱۸/۷	۱۸/۸	۶۲/۱
از ۱ میلیون تومان پانصد به بالا	۱۳۳	۳۷/۷	۳۷/۹	۱۰۰/۰
جمع کل	۳۵۱	۹۹/۴	۱۰۰/۰	
بدون پاسخ	۲	۰/۶		

با توجه به جدول فراوانی فوق وضعیت درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان به شرح زیر می باشد: تعداد ۱۱۳ نفر (۳۲ درصد) زیر ۶۰۰ هزار تومان، تعداد ۳۹ نفر (۱۱ درصد) بین ۶۰۱ تا ۹۰۰ هزار تومان، تعداد ۶۶ نفر (۱۸/۷ درصد) بین ۹۰۱ تا ۱ میلیون و پانصد هزار تومان و تعداد ۱۳۳ نفر (۳۷/۷ درصد) از ۱ میلیون تومان پانصد به بالا بوده اند.

توصیف متغیراتبابط با دوستان بزهار

جدول ۷: متغیراتبابط بادوستان بزهار

تعداد	کشیدگی	چولگی	کمترین نمره	بیش ترین نمره	استاندارد انحراف معیار	مد	میانه	میانگین	میانگین گویه
۳۵۳	-۰/۱۸۹	-۰/۱۲۵	۲/۲۲	۴/۰۶	۰/۲۵۱	۳/۱۷	۳/۰۵	۳/۰۹	۲/۵

با توجه به اطلاعات جدول فوق می توان نتیجه گرفت که، با توجه به میانگین (۳/۰۹)، میانه (۳/۰۵) و مد (۳/۱۷) متغیر که تمامی از میانگین گویه (۲/۵) مورد نظر بیشتر می باشند نتیجه می گیریم پاسخگویان در پاسخ به این متغیر گزینه های (موافقم و کاملاً موافقم) را انتخاب کرده اند.

تحلیل داده ها

آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

ارتباط بادوستان بزهکار	-----
.۱۱۱	مشاهدات
.۱۱۱	مثبت
-۰.۹۳	منفی
۱/۶۲۴	آماره آزمون کلموگروف اسمیرنوف
.۷۸۴	سطح معناداری

با توجه به جدول فوق و سطح معناداری آزمون چون سطح معناداری تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد نتیجه می گیریم متغیرهای فوق دارای توزیع نرمال می باشند در نتیجه برای تحلیل داده ها از آزمون های پارامتریک استفاده شد.

آزمون همبستگی کندال و اسپیرمن

جدول ۴-۲-۴: آزمون فرضیه براساس ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال

نوع رابطه	شدت همبستگی	وجود رابطه	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی	آماره همبستگی
مستقیم	قوی	دارد	۰/۰۰۰	۰/۶۹۶	کندال
مستقیم	قوی	دارد	۰/۰۰۰	۰/۷۲۰	اسپیرمن

براساس مقادیر مشاهده شده در جدول فوق می توان این گونه ابراز نمود که مقدار Sig در هر دو آزمون کوچکتر از سطح معناداری (۰/۰۵) می باشد. لذا فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می شود. و مقدار همبستگی به دست آمده نیز بیانگر معنی دار بودن رابطه بین دو متغیر است و مثبت بودن ضریب همبستگی کندال و اسپیرمن نشان دهنده مستقیم بودن رابطه و افزایشی بودن رابطه است.

نتیجه گیری

یافته ها در این پژوهش نشان می دهد که وضعیت تحصیلی پاسخگویان بیشتر محصل (۶۲/۳٪) و بالاترین میزان تحصیلات پدر دیپلم (۳۴٪) و از نظر وضعیت سکونت با ۶۸٪ در پایین شهر و حاشیه شهر قرار دارند. این شرایط (وجود والدینی با تحصیلات پایین، زندگی در حاشیه شهر و پایین شهر و اینکه والدین اکثراً دارای کار آزاد هستند) میزان ارتباط میان والدین و فرزندان را کاهش می دهد و همچنین نتایج پژوهش صادقی فرد نشان می دهد که اوقات فراغت در کنار خانواده سهم ناچیزی را دارا می باشد و سهم بالا به گذراندن اوقات فراغت بین دوستان می باشد که اکثر آنها سابقه رفتار انحرافی و نادرست داشته اند. این شرایط یافته های زمینه ای نشان می دهد حضور در حاشیه شهر و پایین شهر تجربه زیسته متفاوتی را برای پاسخگویان به وجود آورده است. دوستان پاسخگویان بیشتر، از محیط جغرافیایی زیست شده آنهاست. ترکمان و همکارانش در پژوهشی نشان می دهند که واحد هایی از قبیل خانواده و همالان در گرایش نوجوانان به جرم تأثیر گذار هستند و در سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی نوجوانان از خانواده جدا می شوند و به سمت کوچه، خیابان و همالان می پیوندند. همانند سازی با آنان نقش مهمی در بزهکاری است، نوجوانانی که توسط والدین طرد می شوند و در خانواده احساس امنیت روانی نمی کنند، برای کسب حمایت و تأیید به سمت همالان کشانده می شوند. چنین نوجوانانی در مدرسه ضعیف هستند و به دنبال افرادی می گردند که مانند خودشان باشند از این رو احتمال دارد که دست به اعمال ضد اجتماعی بزنند و همدیگر را برای ارتکاب به جرم تشویق کنند. همچنین این پاسخگویان در این سن به دنبال هویت یابی خود هستند و یکی از راه هایی احساس وجود در جامعه عضویت در گروه ها می باشد. کارلین در پژوهشی نشان می دهد که انجام کارهای خرابکارانه قصد خودنمایی دارند و به خوبی حس می کنند که بد بودن بهتر از هیچ بودن است.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه شناسی انحرافات، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه شناسی انحرافات، تهران، سمت
- زنگنه، محمد (۱۳۸۳)، بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش آموزان: مورد شهر بوشهر، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۵.
- سجودی، عادل (۱۳۹۲) بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر نگرش سرقت، مجله کارگاه، دوره دوم، بهار ۹۲، شماره ۲۲، سال ششم.
- موسوی نژاد، علی (۱۳۷۸)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش پسر نوجوان و جوان زندان اصفهان به مواد اعتیاد آور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
- صادقی فر، مهدی، عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان پسر به بزهکاری و راه های پیشگیری از آن، مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۹، ۱۱۴-۸۵.

- Coupe. Timothy. & Griffiths. Max (1996). Solving residential burglary (crime Detection and Prevention series). P.77
- Hoffmann, J. P. (2003), A Contextual Analysis of Differential Association, Social Control, and Strain Theories of Delinquency, Social Forces, 81(3): 753-758

